

# همگامی صنعت با تحولات اقتصاد جهانی



شرکت کنندگان :

اشاره

کارشناسان بر این باورند که توسعه، مسیری است که از اقتصاد جهانی می‌گذرد و هر کشوری برای رسیدن به هدفهای توسعه بویژه توسعه صنعتی، ناگزیر باید تعامل و ارتباطی فعال با اقتصاد جهانی داشته باشد. بر این اساس حیات و پایداری اقتصاد ایران نیز در شرایط برقراری ارتباط و تعامل مستمر با جهان امکان پذیر است.

خوشبختانه اقتصاد ما در چارچوب یک پارادایم جدید از توسعه قرار گرفته است. به عنوان مثال عوض شدن مأموریت وزارت صنایع و معادن از برنامه ریزی بنگاه محصول به سیاستگذاری صنعت و ایجاد نهادهای صنعتی، یکسان شدن نرخ ارز، تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، برداشتن موانع غیر تعرفه ای، اصلاح قانون مالیاتها، آزادسازی اقتصادی و تدوین رژیم تجاری از جمله فعالیتهایی است که کشور ما را در مسیری جدید از تحول و توسعه قرار داده است.

بدیهی است امروز مرزهای سیاسی در حوزه اقتصاد بین الملل در حال کمرنگ شدن است و بنگاههای بزرگ صنعتی مسیر حرکت خود را از دولتها جدا کرده و در واقع دولتها در حال تاثیرپذیری از آنها هستند و این مساله نقش بنگاهها را در تحولات اقتصادی پررنگ تر می نماید.

اگر چه با اعلام پذیرش درخواست جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO) یکی از راههای اصلی برای حضور ایران در اقتصاد جهانی همواره شده است و علاوه بر اقدامات یادشده، تدوین استراتژی توسعه صنعتی، سند برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز بیست ساله همگی نشان از آماده شدن ایران برای حضور فعال در عرصه اقتصاد جهانی دارد، اما اصلاح زیرساختها، کاهش تورم، بهره گیری از فناوری های پیشرفته و نیروهای کارآمد و متخصص و نیز تقویت نهادها و تشکیلهای صنعتی از نکات محوری است که باید مورد توجه سیاستگذاران، برنامه ریزان، مدیران صنعتی و صاحبان صنایع کشور قرار گیرد.

باتوجه به کلیدی بودن نقش و تاثیر صنعت و بنگاههای صنعتی در اقتصاد کشور و ضرورت آمادگی و برنامه ریزی بنگاهها به عنوان خط مقدمه جبهه برای ورود به سازمان جهانی تجارت، میزگرد حاضر به تحلیل و بررسی این موضوع پرداخته است. در این میزگرد گروهی از صاحب نظران و مدیران صنعتی و اقتصادی کشور ضمن تشریح دیدگاههای خود، بر ضرورت همگام شدن با روند تحولات اقتصاد جهانی تاکید کرده اند.

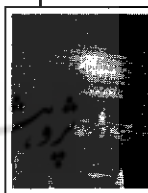
گفتنی است اظهارات شرکت کنندگان در میزگرد در همایشی که به مناسبت روز صنعت و معدن در محل سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد، ایراد شده است. آنچه در پی می آید حاصل این نشست مدیریتی، صنعتی و اقتصادی است که امید است مورد توجه خوانندگان دانش دوست تدبیر قرار گیرد.



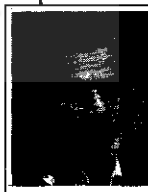
■ رضا آرشاد ستانی: مشاور وزیر صنایع و معادن و قائم مقام معاونت برنامه ریزی، توسعه و فناوری وزارت صنایع و معادن



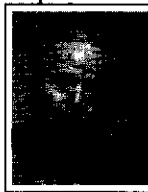
■ اسفندیار امیدبخش: دکترای روابط بین الملل، سرپرست نمایندگی نام‌الختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران



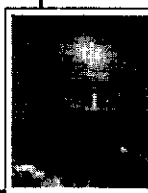
■ سعید طالب: دکترای اقتصاد، استاد دانشگاه



■ عبدالرشاد سیهوند: معاون اداری و مالی وزارت صنایع و معادن



■ مهدی زاده حسینیان: دکترای راه و ساختمان، معاون امور بین الملل وزارت نفت

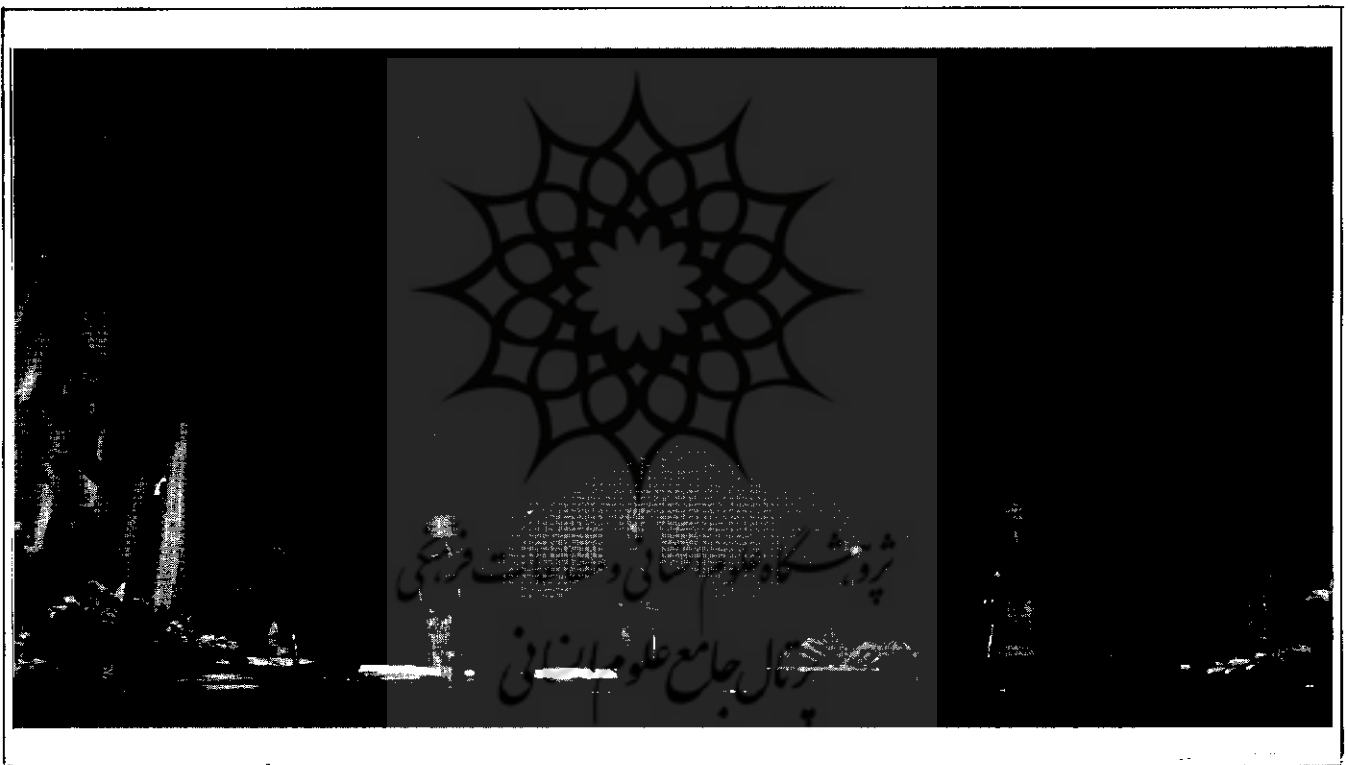


■ مسعود نیلی: دکترای اقتصاد، مدیر گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف

پیش روی ماست؟ من باتوجه به کمی وقت فقط به بخشی از نکات تاکید می کنم. نکته اول اینکه ما منتظر هستیم که گروه کاری ایران رسماً تشکیل شود و اعضای این گروه هم کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت هستند. این سازمان در حال حاضر ۱۴۸ عضو دارد و همه این اعضا طبق قانون و براساس رویه متداول در WTO می توانند عضو گروه کاری ایران باشند. ولی رویه معمول در WTO چنین نیست.

عضویت ناظر این سازمان درآمد و همزمان گروه کاری مربوط به آن هم تشکیل شد. بحث سازمان جهانی تجارت به اعتبار اینکه سه حوزه کالا، تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری را دربرمی گیرد، بحث بسیار مفصلی است. به بیان دیگر در گذشته جهان با پدیده ای به نام گات و تجارت کالاهای صنعتی و بحث تعرفه ها مواجه بود. در صورتی که امروز علاوه بر کالا، بحثهای خدمات و مالکیت فکری نیز به طور جدی در سازمان تجارت جهانی مطرح است و

تدبیر: در دومین میزگرد صنعتی که به مسایل صنعت، چشم انداز بیست ساله و نقش اساسی صنعت و دستگاههای صنعتی در تحولات اقتصادی کشور اختصاص دارد، گروه دیگری از صاحب نظران، مدیران صنعتی و استادان دانشگاهها حضور دارند که مهمترین چالشهای صنعتی کشور را در روند تحولات اقتصاد جهانی به بحث می گذارند. در ابتدا از آقای دکتر امیدبخش درخواست می شود باتوجه به تجارب و سمت خود به عنوان نماینده تام الاختیار



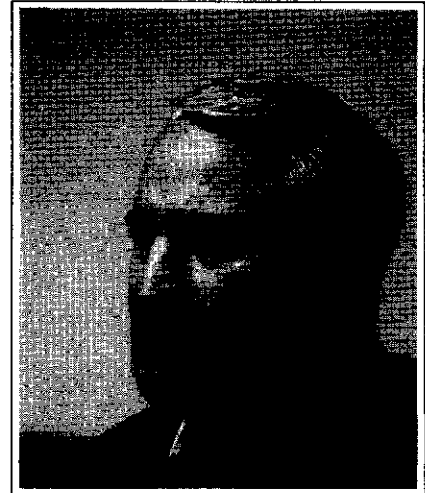
### دو اقدام اساسی

معمولاً کشورهایی در گروه کاری ما برای مذاکره ثبت نام می کنند که بیشترین رابطه تجاری را با ما داشته باشند. این کشورها به عنوان مذاکره کننده از ما می خواهند که دو کار اساسی را انجام بدهیم: یکی اینکه بازار کالا و خدمات خودمان را تا یک میزان باز کنیم که همین میزان، بحث جدی است که ما باید پیرامون آن مذاکره کنیم. دوم بحث انطباق قوانین و مقررات ما با مجموعه موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت است.

همچنان حوزه های جدیدی نیز به مجموعه موافقت نامه های سازمان در حال افزوده شدن است. کما اینکه در حال حاضر مذاکرات جدیدی تحت عنوان مذاکرات دور دوحه در شرف انجام است و قرار است تا دسامبر امسال ششمین کنفرانس وزیران این سازمان در هنگ کنگ به نتیجه برسد. البته اختلافات بین کشورها و بویژه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در مورد موضوعات متعدد بسیار زیاد است. ولی در هر حال مجموعه تعهداتی پیش روی ما خواهد بود. حال باید دید چه آینده ای

جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات سازمان جهانی تجارت، تصویری واقعی و آشکار از فرایند پیوستن ایران به این سازمان و چگونگی مذاکرات الحاق و نیز چالشهای عمده ای که کشور ما در این زمینه با آنها روبروست ترسیم نمایند.

امیدبخش: امروز بحث سازمان جهانی تجارت به مهمترین بحث در بعد اقتصاد خارجی تبدیل شده است. این فرایند یک وقفه طولانی را پشت سر گذاشت و سرانجام ایران رسماً در ۵ خرداد سال جاری به



### دکتر امید بخش:

سازمان جهانی تجارت سه حوزه کالا، تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری را در بر می گیرد.

اعضای مذاکره کننده با ایران در مورد عضویت کشور در سازمان جهانی تجارت، دو کار اساسی از ما می خواهند: ۱- بازگردن درهای بازار کالا و خدمات به روی بازارهای جهانی، ۲- انطباق قوانین و مقررات با مجموعه موافقت نامه های سازمان.

کشورهایی که قصد دارند به عضویت سازمان جهانی تجارت در آیند، باید استراتژی توسعه بویژه استراتژی توسعه صنعتی خودشان را تدوین کرده باشند.

مبنای مذاکرات ما با سازمان جهانی تجارت، رژیم تجاری ماست که تدوین و آماده شده است.

دو سند قانونی، یعنی سند برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز بیست ساله به صراحت به تعامل فعال با اقتصاد جهانی تاکید دارند.

تحقق اهداف چشم انداز بیست ساله، بدون عضویت در سازمان جهانی تجارت عملاً غیرممکن است.

از آنجا که تمام طرحهای اصلی تجاری ما عضو سازمان جهانی تجارت هستند، ما مجبوریم خودمان را با الزامات سازمان جهانی تجارت سازگار کنیم.

مذاکرات برای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، در بهترین و خوشبینانه ترین حالت، در اواخر سال ۲۰۰۶ آغاز خواهد شد.

صنعت، خط مقدم جبهه ورود به سازمان جهانی تجارت است و باید آمادگیهای بیشتری داشته باشد.



ما در حال حاضر پدیده ای به نام رژیم تجاری ملی داریم، یعنی مجموعه قوانین و مقرراتی که اقتصاد، سیاستها، برنامه ها و رویه های اقتصادی و تجاری ما را شکل می دهد و می سازد. رژیم تجاری ملی در فرایند الحاق باید با رژیم تجاری چندجانبه یا مجموعه موافقت نامه های سازمان کاملاً منطبق باشد. به بیان دیگر کاری که بقسبه کشورها انجام دادند ما هم باید این فرایند را طی و دنبال کنیم. در این مساله بحث امتیاز دادن و یا امتیاز گرفتن مطرح نیست؛ زیرا هر کشوری که بخواهد وارد این نظام جهانی شود، قطعاً باید قوانین و مقررات خودش را با الزامات و موافقت نامه ها و مقررات WTO منطبق کند. یکی از چالشهای عمده پیش روی ما همین بحث است و به همین جهت توصیه می کنند کشورهایی که قصد دارند به عضویت این سازمان در آیند، ابتدا باید استراتژی توسعه بویژه استراتژی توسعه صنعتی خودشان را تدوین کرده باشند و با جهت گیری مشخص وارد این سازمان شوند.

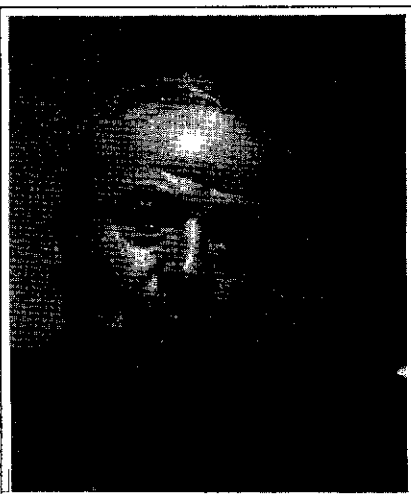
البته این نگرانی و دغدغه ها همواره وجود داشته که بعضی اقتصاد دارند که صنعت مـا، آمادگی ندارد و ما قدرت رقابت پذیری لازم را برای رقابت با صنایع خارجی نداریم و دچار مشکل بیکاری خواهیم شد و بعضی از صنایع ما مجبورند تعطیل شوند. حداقل می شود این اطمینان را داشت که این نگرانی و دغدغه مربوط به امروز نمی شود. اگرچه آن چیزی که به این نگرانی دامن می زند، عمدتاً از منظر واردات است. ایران سال گذشته حدود ۳۵ میلیارد دلار واردات رسمی و حدود ۶ میلیارد دلار واردات غیررسمی داشت. باتوجه به پیش بینی افزایش درآمدهای نفتی در سال جاری، قابل انتظار خواهد بود که حجم واردات ما امسال بیشتر از سال گذشته باشد. بنابراین صنایع ما اگر از محل واردات، آسیب ببینند، هیچ ارتباطی به بحث WTO ندارد.

به هر حال اعم از اینکه عضو شویم و یا عضو نشویم، این مساله پرونده ای نیست که

بتوانیم آن را ببندیم. لذا اگر حتی کشور اعلام کند که ما آمادگی برای مذاکرات الحاق نداریم، قدر مسلم در چند سال بعد هم این بحث مفتوح خواهد بود و ما باید برای آن یک تصمیم قطعی و عاجل بگیریم. از این نظر است که بحث WTO، قطعاً با بحثهای پایه ای اقتصادی و تجاری ما، ارتباط کاملاً وسیع و مشخص دارد. در حال ما باید برای مسیری که پیش روی ایران باز شده است، تعیین تکلیف کنیم که چگونه می خواهیم این مسیر را مدیریت کنیم. دو سند قانونی، فراروی کشور است که به این مساله کمک می کند، یکی سند برنامه چهارم و دیگری سند چشم انداز بیست ساله است که به صراحت به تعامل فعال با اقتصاد جهانی تاکید دارند.

اصولاً این پارادایم جدی در دنیا مطرح است که توسعه، مسیری است که از اقتصاد جهانی می گذرد و هر کشوری برای رسیدن به توسعه بویژه توسعه صنعتی، قطعاً باید تعامل فعال با اقتصاد جهانی داشته باشد و این نکته ای است که در چارچوب WTO خیلی معنا دارتر است، زیرا این سازمان، عالی ترین سطح تعامل با اقتصاد جهانی به شمار می رود. حال اگر بخواهیم این تعاملات را در سه سطح خلاصه کنیم به ترتیب عبارتند از: سطح تعاملات دوجانبه، سطح منطقه ای و سطح WTO یا نظام تجارت چندجانبه. اگر ما در آن چارچوب، الزامات توسعه خودمان را تعریف و تدوین کنیم، طبیعتاً برای سطوح منطقه ای و دوجانبه، خیلی راحت تر، بهتر و مطمئن تر می توانیم این کار را صورت بدهیم.

تدبیر: آقای مهندس نژاد حسینیان باتوجه به سالها خدمت در حوزه صنعت و آشنایی و پیوند نزدیک با صنعت نفت کشور، اطلاعات و تجارب گرانسباهی را می توانند در این زمینه ها در اختیار علاقه مندان قرار دهند. از ایشان تقاضا می شود پیرامون اثرات افزایش قیمت نفت در صنعت کشور، و آثار سرمایه گذاری در حوزه صنعت نفت و گاز بر اقتصاد کشور مطالبی را متناسب با وقت جلسه



### دکتر نژادحسینیان:

اقتصاد ما از نظر ارزی حدود ۸۰ درصد و از لحاظ درآمد کلی نزدیک ۵۰ درصد به درآمدهای نفت وابسته است و با افزایش قیمت‌های نفت، این وابستگی بیشتر خواهد شد.

نفت با اینکه یک موهبت الهی است، اما متأسفانه از عوامل مهم وابستگی کشور است. با گران شدن قیمت نفت، باید تغییرات اساسی در سیاستها صورت گیرد.

حساب ذخیره ارزی ما، متأسفانه به یک بالانس ارزی تبدیل شده است.

نروژها از ابتدای بهره برداری از نفت خود، تمام درآمدهای نفتی را به صندوق ذخیره ریخته و به هیچوجه حق برداشت از اصل پول را ندارند.

مشکل اصلی در بازار نفت، عدم تعادل بین عرضه و تقاضاست و در کوتاه مدت هم نمی‌توان عرضه را بیشتر کرد.

با گران شدن قیمت نفت، اجرای پروژه های نفتی گران تر شده و این مساله در تمام صنایع کشور اثر گذاشته است.

ما باید در اکتشاف و اجرای پروژه های نفت و گاز، به خودکفایی برسیم.

منظور از خودکفایی این نیست که همه کارها را خودمان انجام دهیم، بلکه باید پیمانکارهای عمومی توان مدیریت این پروژه ها را داشته باشند.

تکنولوژی و نرم افزارهای جدید ما را قادر می‌سازد که به سرعت شکاف موجود بین ما و کشورهای توسعه یافته را پر کنند.



خوشبختانه به دلایل مختلف که شاید دلیل عمده اش هم پایین بودن قیمت‌های نفت در چند سال گذشته بود باعث شد که سرمایه گذاری کافی در فرایند میادین نفتی و افزایش تولید نفت در دنیا صورت نگیرد، مخصوصاً کشورهای عضو اوپک به دلیل درآمد کم و همچنین نیازهای اجتماعی خود نتوانستند درآمدهای نفتی شان را صرف سرمایه گذاری برای توسعه میادین نفتی شان کنند، لذا مشکل اصلی در بازار نفت، عدم تعادل بین عرضه و تقاضاست. به عبارتی تقاضا بیشتر از عرضه است و در کوتاه مدت هم نمی‌شود عرضه را بیشتر کرد. به نظر می‌رسد که به تدریج قیمت‌های نفت بالاتر برود و از این نظر هم درآمدهای نفتی ایران بیشتر شود. در کنار این قضیه، خودبخود بعضی از اقلام صنعتی و مواد اولیه گسران می‌شود، همان طوری که ظرف چند ماه گذشته قیمت فولاد ۳۰ تا ۴۰ درصد گران شده و در نتیجه اجرای پروژه های نفتی گران تر شده و این مساله در تمام صنایع نیز اثر گذاشته است. سیاستی که به نظر من وزارت نفت در این حوزه بایستی پیگیری کند به حداکثر رساندن درآمد کشور از نفت و گاز و فعالیتهای جنبی آن است. یعنی ما باید سعی کنیم که هرچه بیشتر از این ثروت خدادادی استفاده کرده و برای کشور درآمد کسب کنیم.

تدبیر: آقای دکتر تائب، اطلاعات خوبی در حوزه روابط بین الملل و نیز اقتصاد جهانی دارند. از ایشان تقاضا می‌شود باتوجه به شرایط و ویژگیهای اقتصاد جهانی، تحلیل خود را در مورد محدودیتها و درعین حال فرصتهایی که تحولات و شرایط جهانی در مقابل صنعت و بنگاههای صنعتی کشور قرار داده اند بیان فرمایند.

تائب: باتوجه به بحثی که دوستان داشتند فکر کنم می‌شود یک بحث کلی را انجام داد. سخنران اول در مورد عضویت در WTO صحبت کردند و من یک مسئله را کاملاً مفروض می‌گیرم و اینکه ما از هر نظر در یک روند اجتناب ناپذیر، قرار داریم. روند اجتناب ناپذیر یعنی اینکه ما بازاریگری در

مطرح فرمایند.

نژاد حسینیان: اقتصاد کشور ما متأسفانه تا حد زیادی، وابسته به درآمدهای نفت است. به طوری که از نظر ارزی حدود ۸۰ درصد و از لحاظ درآمد کلی نزدیک ۵۰ درصد به نفت وابسته است و با افزایش قیمت های نفت، این وابستگی بیشتر نیز خواهد شد.

نفت با اینکه یک موهبت الهی و یک ثروت خدادادی برای کشور ماست، اما متأسفانه از عوامل مهم وابستگی کشور و مشکلات اقتصادی کشور بوده و ترس من این است که این وابستگی در آینده بیشتر شود. یعنی افزایش درآمدهای نفتی باعث شود که واردات افزایش یابد و درعین حال که فراوانی در جامعه وجود دارد، ولیکن تیشه بیشتری به ریشه اقتصاد ما خواهد خورد. بسه همین جهت فکر می‌کنم همه کسانی که می‌توانند و توان آن را دارند باید کاری کنند که درآمدهای نفت این گونه در اختیار دولت و حتی مجلس نباشد که هر وقت در جایی با مشکلی برخورد کردند فوری از این پول دردسترس بردارند و مصرف کنند.

تجربه موفق این کار در نروژ بوده است. نروژها حدود سسی سال است که کار بهره برداری از نفت خود را شروع کرده اند و از همان ابتدا تمام درآمدهای نفت شان به یک صندوق ذخیره ای رفته که به هیچوجه حق برداشت از اصل این پول را ندارند و الان نزدیک یکصد و پنجاه میلیارد دلار در آن ذخیره ارزی دارند. فقط دولت می‌تواند با تصمیم مجلس از بهره ناشی از کار با این سرمایه که در خارج از نروژ هم بساید انجام شود، برای پروژه های زیربنایی استفاده کند. در حالی که متأسفانه حساب ذخیره ارزی ما تبدیل به یک بالانس ارزی شده است.

ضرورت تغییرات اساسی

من فکر می‌کنم با گران شدن قیمت نفت، تغییرات اساسی باید در سیاستها داده شود.

جهان اقتصاد هستیم. حال اگر با اندیشه بیشتر حرکت کنیم، هزینه های کمتر و سود بیشتر داریم و اگر بسا اندیشه کمتر حرکت کنیم هیچکس برای ما گریه نخواهد کرد. بنابراین ما موظف هستیم که احساسات و حتی برخی از تمایلات سیاسی خودمان را کنار بگذاریم و علمی تر به پدیده ها نگاه کنیم.

### کمرنگ شدن مرزها

جهانی شدن اقتصاد کلاً تحولی است در هستی مرزها. یعنی من با این نظر موافق نیستم که مرزها از بین می رود. مرزها باز تعریف می شوند و حوزه های آنها تغییر می کند. باز تعریف مرزها از طریق تغییر مفهومی مرزهایی که دیگر اجازه رشد نمی دهند به تعریف مرزهای جدیدی که امکان رشد و توسعه می دهند قرار می گیرد. بنابراین اصل اساسی در مسئله جهانی شدن اقتصاد، تداوم رشد و توسعه است. اما تداوم رشد و توسعه برای بازیگرانی است که قوانین و مقررات را به خوبی درک می کنند.

در روابط بین الملل، کشوری نمی تواند روابط خودش را ارتقا ببخشد بدون اینکه نظام بین الملل را بفهمد و با قواعد آن بازی کند. در حوزه اقتصاد هم همین است. در حوزه اقتصاد، نظامی حاکم است، صرف نظر از اینکه آن را دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم. نظام حاکم هم نظام سرمایه داری لیبرالیسم و یا سرمایه داری رقابتی است. بنابراین هرگاه صحبت از این است که با جهان تعامل داشته باشیم و مرزها را باز کنیم به معنای این است که این نظام را قبول کرده ایم. حال اگر آگاهانه این کار را نکرده باشیم به حتم هزینه های خود را افزایش و سود خود را کاهش می دهیم. در این نظام، سلسله مراتب وجود دارد. یعنی واحدها بر مبنای سلسله مراتب جایگاهشان تعریف می شوند. اما اتفاق جالبی که خصوصاً در روند عضویت در WTO در حال شکل گیری است، این است که تعیین این واحدها بر مبنای جغرافیای سیاسی شما انجام نمی شود. اینکه شما یک کشور

استراتژیک مهم سیاسی هستید صندلی شما را در بالای اتاق نمی گذارند، صندلی شما از دم در تا ردیف بالا به این شرط حرکت می کند که توان اقتصادی داشته باشید.

بنابراین یکی از تغییرات، تحول در مرز سیاسی است. نمی خواهم بگویم مرز سیاسی در حوزه اقتصاد بین الملل در حال از بین رفتن است، بلکه در حال کمرنگ شدن و در مسیر باز تعریف جدیدی است که اتفاق می افتد. به عنوان مثال جمعیت کشور ما هفتاد میلیون نفر است، ولی دویی از لحاظ بازار خرید و با داشتن جمعیت بسیار کم، به مراتب از ما قوی تر است و جایگاه معتبرتری را در تجارت جهانی دارد. درحالی که از لحاظ وضعیت سیاسی ما به طور حتم جایگاه بسیار بالایی داریم.

واحدی که می خواهد تعریف شود بر مبنای شاخصه هایی است که از نظام اقتصادی گرفته شده است. شاخصه های اقتصادی هم در حوزه تولید و توزیع و مصرف است. اما نکته مهم اینکه روند جهانی شدن به آن معنا نیست که در هر سه حوزه، رشد و توسعه یکسان است. یعنی ممکن است روند جهانی شدن در حوزه تولید به مراتب سریع تر از حوزه مصرف باشد. به عبارت دیگر معنا ندارد که بگوییم در هر سه قسمت یکسان حرکت می کنیم. کشور برنده نیز کشوری است که به ترتیب در سه قسمت تولید، توزیع و نهایتاً مصرف جایگاه خود را تعریف می کند، نه کشورهایی که ممکن است جایگاه خود را فقط در حوزه مصرف تعیین کنند.

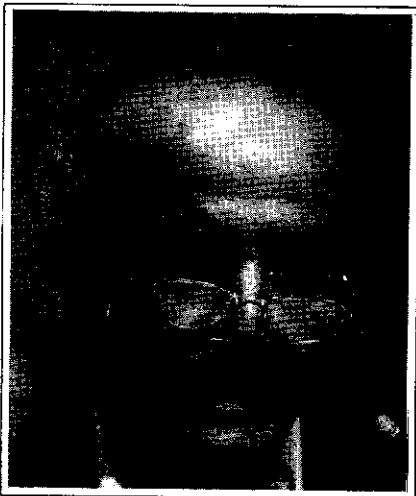
نکته دیگر اینکه کشورها باید جایگاه خودشان را تعریف کنند و سیستم، جایگاه های آنها را هم تعریف می کند. چنانچه کشوری بنابه دلایل سیاسی و یا مسائل دیگر نخواهد وارد این بازی پیچیده شود سؤالی که مطرح می شود وضعیت صنایع آن کشور و در درون صنایع، تکلیف بینگانهها چه خواهد شد؟ روند جهانی شدن شرایط جدیدی را برای ما به وجود آورده است و آن این است که حتی اگر کشوری بنابه دلایل سیاسی، تصمیم به عدم ورود به این روند را

گرفته باشد، صنایع و بنگاه هایش محکوم به عملکرد در این روند هستند. به بیان دیگر مرزهای سیاسی در حال کمرنگ شدن است. سی سال پیش چنانچه دولتمردان تصمیمی را می گرفتند، تمام بازیگران مجموعه، چاره ای جز اطاعت نداشتند، ولی روند کنونی اقتصاد جهانی این چنین دیگر حسم نمی کند. ما نباید نگران باشیم؛ زیرا حتی اگر ملاحظات سیاسی برای فلان صنعت اجازه ورود به صنعت بین المللی را نمی دهد، آن صنعت در قسمت بین المللی حضور دارد. تجربه بسیار خوب ما تحریم نفتی ایران است که یک تصمیم سیاسی بود، ولی کشور ما وارد صنعت بین المللی نفت شد و در این زمینه هم فعال است.

تدبیر: از آقای دکتر نیلی که نقش اصلی در تدوین استراتژی توسعه صنعتی کشور داشته اند درخواست می شود با توجه به آشنایی با تحولات اقتصاد داخلی و بین المللی، مهمترین چالشهایی که کشور ما در رابطه با اقتصاد جهانی بویژه برای عضویت در سازمان جهانی تجارت با آنها روبروست، تحلیل ها و نظرات خود را ارائه نمایند.

نیلی: من سعی می کنم که یک تصویر کلی از ضرورت های آینده صنعت کشور با توجه به محدودیت وقت ترسیم کنم و برای این منظور روی چهار چالشی که ما با آن مواجه هستیم متمرکز می شوم.

در مقدمه بحث باید عرض کنم از مطالبی که به عنوان نتایج مطالعات استراتژی توسعه صنعتی به دفعات در مجامع مختلف گفته شده است برخی از محاسبات انجام شده در آن مطالعه است. براین اساس اگر بخواهیم درآمد سرانه ما در طول بیست سال آینده به سه برابر رقم فعلی، یعنی درآمد سرانه امروز کره جنوبی برسد، باید اقتصادمان به طور متوسط سالی ۸ درصد رشد کند. مفهوم آن این است که متوسط نرخ رشد سرمایه گذاری که در طول ده سال گذشته ۴/۴ درصد بوده باید به ۱۰/۲ درصد افزایش یابد. برای رسیدن به این رقم باید تحولات زیادی در



### دکتر نایب:

**بسا جهانی شدن اقتصاد، مرزها باز تعریف می شوند و حوزه های آنها تغییر می کند.**

**اصل اساسی جهانی شدن اقتصاد، تداوم رشد و توسعه برای بازیگرانی است که قوانین و مقررات را به خوبی درک می کنند.**

**مرزهای سیاسی در حوزه اقتصاد بین الملل در حال کمرنگ شدن و در مسیر بازتعریف جدید قرار دارند.**

**در روابط بین الملل، کشوری نمی تواند بدون درک نظام بین الملل، روابط خودش را ارتقا بخشد.**

**اگر کشوری بنابه دلایل سیاسی، تصمیم به عدم ورود به روند جهانی را گرفته باشد، صنایع و بنگاههای محکوم به عملکرد در این روند هستند.**

**صنایع در سطح جهان مسیر خودشان را از حکومتها جدا می کنند، و دولتها در حال تاثیر پذیری از بنگاهها هستند.**

**در روند جهانی شدن، شکست بنگاهها ناشی از ناکارآمدی است، زیرا سیستم جهانی بر مبنای اصل «بُرد - بُرد» در حال حرکت است.**

**اقتصاد جهانی از مقطع سخت افزاری خارج شده و وارد مقطع نرم افزاری شده است.**

**اصل «بُرد - بُرد» فقط از طریق تولید مریت نسبی امکان پذیر است.**

**یکی از مشکلات ما در حوزه اقتصاد جهانی این است که صاحبان صنایع ما مدیرند و صاحبان صنایع باید جایگاه مدیریت را ترک کنند.**

**مدیریت کار تخصصی است و ما فاقد بدنه قوی مدیریت صنایع هستیم.**



این برای ما یک چالش بزرگ است حتی برای عضویت در WTO. کشوری که تورم دو رقمی دارد، برای رقابتی شدن در دنیا دچار چالشهای زیادی است. تورم یکی از دستاوردهای مهم اقتصاد کلان است که امروزه به یک پدیده کاملاً شناخته شده تبدیل شده است. اما در کشور ما متأسفانه این مساله گرفتار چالشهای سیاستگذاری شده است.

چالش دوم که دوستان هم اشاره کردند روند جهانی شدن و حاکمیت رقابت پذیری است. امروز یک اصل بر تنظیم روابط بین المللی حاکم است و هیچ کشوری نمی تواند خودش را از این اصل دور کند.

همان طور که دوستان به طنز اشاره کردند ما الان در بازار داخلی خودمان عضو WTO هستیم. خیلی از کالاها با تعرفه صفر و فقط با هزینه قاچاق وارد کشور می شود. الان دسترسی به همه کالاهای صنعتی کاملاً در کشور مقدور است.

لذا این دو چالش جهانی جدی است و هر نوع دورشدن از روندهای علمی، می تواند برای ما مسئله ایجاد کند.

تدبیر: آقای مهندس سپهوند با توجه به تجارب خود در تشکلهای، همواره تلاش کرده اند که بین وزارت صنایع و معادن و تشکلهای صنعتی، تعامل نزدیک و فعال ایجاد و تقویت شود. از ایشان درخواست می شود در زمینه نقش بخش خصوصی و تشکلهای صنعتی در تحولات اقتصادی و صنعتی کشور نظرات و پیشنهادهای خود را مطرح فرمایند.

سپهوند: من چند نکته را خدمت دوستان عرض کنم. نخست اینکه در دولت آقای خاتمی علی رغم همه مشکلات، کارهای زیادی در زمینه های مختلف انجام گرفت و من

راز این موفقیت را در یک تعامل منطقی و مثبت و فعال بین تشکل های صنعتی و وزارت صنایع و معادن می دانم و شاهد این قضیه دوستانی هستند که در این جلسه

این اقتصاد اتفاق بیفتد و متوسط رشد صنعت ما باید در طول بیست سال آینده مثلاً به طور متوسط ۱۰ درصد باشد و صنعت ما باید در پایان بیست سال آینده بین ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار صادرات داشته باشد. البته با توجه به فضایی که شرایط رقابت پذیری بین المللی و چالشهای مختلف در آن حاکم است. بنابراین من فکر می کنم هیچ تصمیم گیرنده ای نمی تواند خودش را از الزاماتی که ما می بایست خودمان را با آن همراه کنیم دور کند.

### چالشهای جهانی

از چهار چالش مهم موردنظر دو چالش داخلی و دو چالش جهانی است. من ابتدا به دو چالش جهانی می پردازم.

دربعد جهانی یکی از تحولات شگرف در طول ده سال گذشته پایین آمدن نرخ تورم است. متوسط نرخ تورم دنیا در حال حاضر حدود ۵/۳ درصد است و متوسط نرخ تورم کشورهای پیشرفته علی رغم افزایش شدید قیمت نفت از ۱/۵ درصد تا حدود ۱/۹ درصد می باشد. کشورهایی که در سالهای گذشته با تورم های بالا همراه بودند، همه یادمان است. مثلاً متوسط نرخ تورم برزیل که در فاصله سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۵ رقم ۷۵۴ درصد بود، در سال ۲۰۰۵ یک رقمی شده است. یا کشور ترکیه همواره با تورم مزمن ۷۰ درصد، ۶۰ درصد و ۴۰ درصد مواجه بوده است و در عین حال یک کشور واردکننده نفت است. ترکیه علی رغم اینکه در طول دو سال گذشته به شدت تحت تاثیر فشارهای ناشی از افزایش قیمت نفت خام بود، ولی نرخ تورم آن در سال ۲۰۰۴ رقم ۱۳ درصد بوده است. این کشور برای سال ۲۰۰۶ نرخ تورم یک رقمی را هدف گذاری کرده که قطعاً به آن دست می یابد. تورم نیم درصدی چین و موارد مشابه به این معنی است که واقعاً تورم ریشه کن شده است.

کشور ما در چهار سال گذشته در لیست کشورهای با تورم بالای دنیا قرار نداشت، اما امروز جزو چهار کشور دارای با تورم بالای دنیا، یعنی تورم ۱۵ - ۱۷ درصد قسراً دارد و

حضور دارند. باید باور کنیم که اگر می‌خواهیم کشور را به سمت و سوی رقابت پذیری ببریم باید نگرش‌ها را تغییر دهیم. همواره در بحث‌های اقتصادی صحبت از سهم بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری‌های کشور است، ولی هیچ‌گاه این سوال مطرح نمی‌شود که سهم بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها چیست؟ شاید یکی از رسالتهای مهم این‌گونه میزگردها این باشد که سوال ایجاد کند، نه پاسخ.

ما باید به عنوان صنعتگران و مدیران صنعتی سوالات اساسی ایجاد کنیم و صاحب‌نظران دانشگاهی پاسخ اینها را بیابند. سوال اساسی این است که نقش و سهم بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها چیست؟ چه اندازه است؟ جواب بسیار نگران‌کننده است. سوال دیگر اینکه وزن و نقش تشکل‌های صنعتی در کشور ما چقدر است؟ البته باتوجه به اینکه اندک اندک نقش دولتها کم‌رنگ می‌شود و تشکل‌ها و نهادهای مدنی جایگاه دولتها را می‌گیرند و دولتها به تدریج سیاست‌گذاری‌های جدید را بر عهده می‌گیرند. نگرانی ما و دوستان ما در بخش دولت و تشکل‌ها این است که آیا این راه برگشت پذیر است یا برگشت ناپذیر؟ خیلی‌ها باور دارند که حُرکت‌های اجتماعی برگشت ناپذیر است، ولی آیا دولتهایی که روی کار می‌آیند چقدر باور دارند که باید تشکلها را در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها راه دهند و به کار بگیرند. چقدر دولتها می‌توانند خود را به بدنه خلاق، فعال و تاثیرگذار تشکلها نزدیک کنند.

### صنعت و تشکلها

طی سالهای گذشته همواره بین تشکلها و وزارتخانه‌ها، بویژه وزارتخانه‌های صنعتی و معدنی این مشکل وجود داشت که آنها کار خود را می‌کردند و ما هم راه خود را می‌رفتیم و اکثر تصمیماتی که گرفته می‌شد به دلایل ناپختگی، بیشتر در قفسه‌های کتابخانه‌ها می‌ماند و به اجرا در نمی‌آمد. اما

خوشبختانه در چهار سال اخیر وزارت صنایع و معادن توانست استراتژی توسعه صنعتی و معدنی کشور را تدوین کند در همین چارچوب شورای مشورتی وزارتخانه مرکب از ۱۶ نفر از صاحب‌نظران و صاحبان و مدیران صنایع همواره بار و مددکار وزارتخانه بود. تشکل‌ها در همین زمینه بویژه انجمن مدیران صنایع و کنفدراسیون صنایع ایران مطالعات چندین ساله خود را روزآمد کردند و در اختیار وزارت صنایع و معادن گذاشتند. اما چند توصیه به صاحبان و مدیران صنایع دارم.

نخست اینکه تشکلها باید تلاش کنند تا مهندسی مجدد و بازشناسی جدیدی از تشکلهای خود را با توجه به روند تحولات امروز کشور و جهان فراهم کنند.

دوم اینکه نمی‌شود به منافع فردی رسید مگر اینکه منافع جمعی و تشکلی را در کشور داشته باشیم. امروز منافع افراد در گرو خرد جمعی است.

سوم اگر تشکلها می‌خواهند باقی‌مانند، باید در خودشان قدرت ماندگاری و تاثیرگذاری ایجاد کنند. قدرت ماندگاری و تاثیرگذاری این است که همواره در اکثر تحولاتی که هرچند وقت یکبار در کشورها ایجاد می‌شود تشکلها دچار بهت و شگفتی نشوند و بتوانند به جای اینکه منتظر تصمیمات دولتها باشند، دولتها را متقاعد کنند و توان تصمیم‌گیری را به نفع جامعه بر عهده داشته باشند.

تدبیر: از آقای مهندس اشرف سمنانی که از مدیران موثر در حوزه صنعت به شمار می‌روند، پیرامون چالشهای موجود در صنعت کشور و نیز نقش عمده فناوری در چشم انداز فردای صنعت کشور، تحلیل و احیاناً توصیه‌ها و پیشنهادهای خود را بیان فرمایند.

اشرف سمنانی: واقعیت این است که دنیا امروز دانش محور است. اقتصاد، مدیریت و صنعت به تبع آنها هم دانش محور می‌شود. در حال حاضر سهم دانش و تکنولوژی در محصولات به طور متوسط بیش از ۵۰ درصد شده است و هرچقدر به سمت فناوری

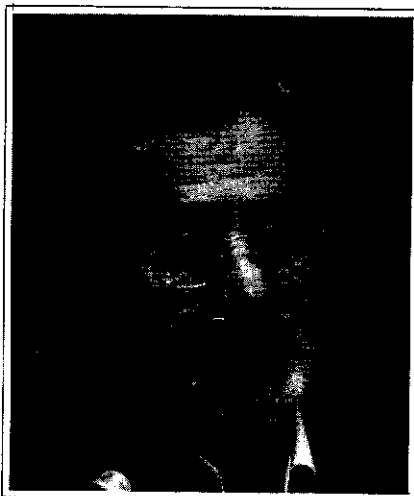
پیشرفته حرکت می‌کنیم، این سهم بالاتر می‌رود.

استراتژی توسعه صنعتی که به همت آقای دکتر نیلی و همکارانشان تدوین شد، چند نکته را روشن کرد. باتوجه به سالها خدمت در صنعت، علاقه مند هستیم که یافته‌های خود را در این زمینه بویژه از بعد فناوری بیان کنیم. ما پیوستگی صنعتی نداشتیم. زمانی که قرار بود آقای جهانگیری مسئولیت وزارت را پس از ادغام دو وزارتخانه بر عهده بگیرند، من طرح فولاد آلیاژی را دنبال می‌کردم. در آن موقع تولیدات بخش صنعت روی دستمان مانده بود و کیفیت خودروهایی که تولید می‌شد خیلی پایین بود. پس اینها را باید یکی کرد که این فکرها پراکنده نباشد.

امروز نگاه، صنایع به یکدیگر خیلی افزایش پیدا کرده، ولی هنوز جای خالی زیادی وجود دارد و آن پیوستگی با نسرم افزاهاست. ما در بعد پژوهش و فناوری هنوز چنین فناوری را نداریم و من آن را به عنوان چالش آینده می‌بینم.

فناوری هرچقدر بالاتر باشد، این خطر را به ما نشان می‌دهد که می‌تواند به زودی از سیستم بیرون برود. بنابراین صنعتگران ما چه در بنگاهها و چه در دستگاههای دولتی باید بدانند که این پیوستگی مجموعه‌ای است از مهندسی، طراحی، دانش، و فناوری در آن، سهم بسیار بالایی می‌کند و ما نسبت به آن فاصله زیادی داریم. بنابراین برای ما این مساله می‌تواند یک چالش اساسی باشد.

بحث رقابت پذیری، تعالی سازمانی و بهره‌وری مطرح شد. در بخش صنعت برای ۸ سال، ده شاخص بهره‌وری در زیرشاخه‌های صنعت و معدن اندازه‌گیری شد. یافته‌های ما نشان می‌داد که ما باید تعالی سازمانی را به شدت افزایش دهیم. الان دیگر خیلی به این بسنده نمی‌کنند که فقط مشتری راضی باشد، بلکه هدف اصلی توسعه را رفاه اجتماعی می‌دانند. از این بالاتر پاره‌ای می‌گویند رفاه اجتماعی ملی هم کافی نیست، بلکه باید رفاه جهانی را مدنظر قرار داد.



### مهندسی سهیوند:

من راز مسووقیت دولت خاتمی را در زمینه های مختلف، در یک تعامل منطقی و مثبت و فعال بین تشکل های صنعتی و وزارت صنایع و معادن می دانم.

اگر می خواهیم کشور را به سمت وسوسوی رقابت پذیری ببریم، باید نگرشها مان را تغییر بدهیم.

ما باید به عنوان صنعتگران و مدیران صنعتی سوالات اساسی ایجاد کنیم و صاحب نظران دانشگاهی پاسخ آنها را بیابند.

نقش و سهم بخش خصوصی در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها در کشور، بسیار نگران کننده و اندک است.

وزارت صنایع و معادن توانست با ایجاد شورای مشورتی، از پیشنهادها و نظرات مشورتی صاحبان و مدیران صنایع و تشکلهای بهره فراوان بگیرد.

تشکلهای باید تلاش کنند باتوجه به روند تحولات، مهندسی مجدد و بازشناسی جدیدی از تشکلهای خود را فراهم کنند.

اگر تشکلهای می خواهند باقی بمانند، باید در خود قدرت ماندگاری و تاثیرگذاری ایجاد کنند.

نمی توان به منافع فردی رسید، مگر اینکه منافع جمعی و تشکلی را در کشور داشته باشیم.

باتوجه به خلاقیت ایسرانی، ما قادریم از بعضی فناوری های خیلی پیشرفته بهره بگیریم و به این ترتیب رتبه و جایگاه ما در صنعت تغییر خواهد کرد. در استراتژی توسعه صنعتی و نیز در برنامه چهارم توسعه، فناوری های پیشرفته سهم بالادار تولید ناخالص داخلی دارند.

نانوتکنولوژی به سرعت جای خود را در دنیا باز می کند. فناوری به شدت ارزش افزوده را بالا می برد. بنابراین چیزی که می تواند ما را نجات دهد فناوری است. توصیه ما استفاده از فناوری پیشرفته در صنایع موجود است.

بخش صنعت بستر سازی های را انجام داده است. از جمله در نانوتکنولوژی طرحهای زیادی را دنبال کرده است. اجرای چهارهزار پروژه پژوهشی، با بهره گیری از بیش از ده هزار نیروی لیسانس به بالا فقط در بعد یک طرح، نشانه به کارگیری علم در بخش صنعت بوده است.

یکی از اهداف این طرح این بوده که از فرار مغزها جلوگیری کرده است. باید شرایطی ایجاد شود که نیروهای خلاق و فکور در کشور باقی بمانند و یکی از عوامل جذب آنها فناوری پیشرفته است.

پیشنهاد ما این است که واحدهای صنعتی برای اینکه بتوانند از فناوری بهره بگیرند، به جای پرداخت مالیات کارهای آموزشی و پژوهشی انجام دهند. این پیشنهاد در شورای عالی تحقیقات مطرح شده و قرار است در پیش نویس قانون جدید هم گنجانده شود.

ساختن آخر اینکه در حوزه صنعت و معدن علاوه بر سند های موجود، دو سند هم اضافه شده است. یکی از این سند ها، سند بهره وری است که بحثهای جدیدی نظیر کلینیک های بهره وری و پیمانکاران بهره وری را مطرح می کند و دیگر سند پژوهش و فناوری بخش صنعت است که از قوی ترین سند ها در حوزه پژوهش و فناوری کشور محسوب می شود.

در پایان امیدواریم بتوانیم با تکیه بر فناوری پیشرفته و بالابردن ارزش افزوده، قدرت جامعه صنعتی مان را افزایش دهیم.

نکته دیگر اینکه تحقیق و توسعه در صنایع واسطه، مزیت نسبی کشور محسوب می شود.

به WTO اشاره کردند. با عضویت ما در این سازمان بسیاری از صنایع از سیکل تولید حذف می شوند. همیشه هر صنعت یک چرخه ای دارد، حتی بهبودهایی که در آن صنعت انجام دهیم تاثیر گذار نخواهد بود. در اینجا است که ناگزیریم از مزیت هایمان استفاده کنیم، ولی با فناوری پیشرفته و تحقیقات پایه ای. به همین جهت مزیت های نسبی مثل انرژی و معادن کاملاً جواب خواهد داد. گاهی اوقات از بحث درباره قیمت های انرژی هراس داریم، زیرا نگران حذف مزیتها هستیم. کشورهای پیشرفته هم مزیت های خاص خود را نگهداری می کنند. وقتی بر اثر رقابت تعرفه ها از ۳۰۰ درصد به ۵۰ درصد و سپس به صفر درصد نزدیک می شود، رقابت های فشرده باید دنبال شود.

آمایش سرزمین و محل استقرار کارخانه ها، همیشه یکی از مشکلات ما بوده است. از شمال شرق کشور تا جنوب کشور تاسیسات زیربنایی بسیار کم است و به آمایش سرزمین توجهی نشده است و جالب اینکه استعدادهای معدنی ما هم تصادفاً در آن منطقه قرار دارد. چگونه چنین صنایعی می تواند رقابت پذیر باشد؟ یکی از صنعت های جدید، بخش آمایش صنعت و معدن است که محل استقرار واحدها را تعیین می کند. کوه ها را نمی شود جابه جا کرد، ولی نوله های گاز را می توان به شهرکها انتقال داد. این مسایل نگاه ما را به بهره وری نشان می دهد.

### فناوری پیشرفته

در بعد فناوری به این نتیجه رسیدیم که فناوری های پیشرفته راه درمان است. شاید سوال شود در شرایطی که فناوری های ما در رده بالایی قرار ندارد، چطور می توان به فناوری پیشرفته پرداخت؟ دلیل آن تغییرات سریع در این فناوری هاست. در حال حاضر بالاترین فناوری، نانوتکنولوژی است.





امیدبخش: نکته مهم دیگر این است که تحقق اهداف چشم انداز بیست ساله یا حتی تعامل فعال با اقتصاد جهانی، حداقل بدون عضویت در سازمان جهانی تجارت، عملاً غیرممکن است. لذا بایست خودمان را برای پرداخت هزینه های الحاق و تبدیل این هزینه ها به فرصتها آماده کنیم. چرا بدون الحاق، چنین چیزی مقدور نیست؟ به خاطر اینکه همین حالا هم، ایران چند سالی است که مذاکراتی را با کشورهای پیرامونی و کشورهای عضو اگو برای انعقاد موافقت نامه ها و تعرفه های ترجیحی آغاز کرده است. نکته جالب اینکه تمام موافقت نامه ها، بخشی تحت عنوان قواعد و مقررات دارد. تمام این قواعد و مقررات، مبتنی بر موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت است و ایران آنها را پذیرفته است. چرا؟ چون تمام طرفهای اصلی تجاری ما عضو سازمان جهانی تجارت هستند و آنها نمی توانند با ما وارد توافقاتی شوند که برخلاف تعهداتشان در WTO باشد. لذا ما مجبوریم خودمان را با الزامات سازمان جهانی تجارت سازگار کنیم.

### کاهش تدریجی تعرفه ها

مساله دومی که در مذاکرات سازمان جهانی تجارت از ما خواهند خواست، بحث بازکردن بازار کالا و خدمات به روی بازارهای جهانی است. در مورد بحث کالا، آنچه که برای ما مهم است، کالاهای صنعتی و کشاورزی است.

این امر مستلزم این است که ما تعرفه های ساده خودمان را که الان حدود ۲۳ درصد است، به تدریج کاهش دهیم و با خواسته های اعضای گروه کاری خودمان منطبق کنیم. گروه کاری ما که حاوی کشورهای اتحاد اروپا، کشورهای حوزه خلیج فارس، هند، چین، کره، ژاپن و خیلی از کشورهای دیگر از جمله آمریکا هستند از ما می خواهند که برای بهره مند شدن از بازارهای خودشان، ما هم حاضر باشیم تا میزانی تعرفه های خودمان را کاهش دهیم. این یک الزام است که پیش روی همه کشورهاست. در مذاکرات

الحاق، برخلاف مذاکرات دور دوحه، مبادله امتیازات مطرح نیست. در این مذاکرات نه فقط برای ایران، بلکه برای همه کشورهای این فرایند را طی کردند فقط دادن امتیاز مطرح است. زیرا آنها می گویند، ما طی نه دور مذاکره و طی ۵۷ سال، تعرفه های خودمان را مثلاً از ۵۰ درصد به ۴ درصد رساندیم و این بازار برای ایران آماده است.

وزارت صنایع طرحی را در چارچوب کاهش تعرفه ها به صورت پلکانی تا پایان برنامه چهارم تدوین کرده که تعرفه های ما تا پایان برنامه چهارم حداکثر به ۵۰ درصد می رسد. یعنی مثلاً تعرفه واردات خودرو که الان صددرصد است بعد از ۵ سال به ۵۰ درصد خواهد رسید و هیچ ارتباطی هم به بحث WTO ندارد. این اقدام یک جنبه است که مجموعه صنعت کشور به این نتیجه رسیده است که ما می توانیم برای یک دوره مشخص ۵ ساله صنعت خودمان را با تعرفه ها به این شکل و با یک روند کاهنده حمایت کنیم و این کفایت می کند. اگرچه در مذاکرات WTO از ما بیشتر خواهند خواست و از ما می خواهند که خودمان را با استانداردهای آنها انطباق دهیم. مثلاً الان متوسط تعرفه های صنعتی در کشورهای صنعتی رسمی بین ۳ تا ۴ درصد است و از کشورهای در حال توسعه مثل ما می خواهند چیزی بین ۳ تا ۴ برابر آن تعرفه ها یعنی بین ۹ تا ۱۵ درصد را برای خودمان حفظ کنیم. مثلاً در یک دوره ۷ ساله سطح تعرفه هایمان را به ۱۵ درصد برسانیم.

### مذاکرات طولانی

ما می خواهیم وارد مجموعه ای شویم برای بهره مند شدن از امکانات و مزایای آن سیستم و بنابراین باید آماده شویم که بازار خودمان را تا حدی باز کنیم که مورد توافق اعضای گروه کاری قرار گیرد و اگر چنین نشود، مذاکرات به شدت پیچیده و طولانی می شود. مذاکرات الحاق به WTO یکی از پیچیده ترین ها و طولانی ترین مذاکراتی است که معمولاً کشورها در سطح بین المللی انجام می دهند. مذاکرات چین ۱۵ سال به طول انجامید. روسیه و عربستان ۱۳

سال است که مذاکره می کنند و هنوز به اتمام نرسیده است. طولانی شدن مذاکرات صرفاً بخاطر چانه زنی ها و کسب آمادگیهای لازم در مجموعه اقتصاد و تجارت و نظام قانون گذاری آنهاست که باید بتوانند خواسته های این کشورها را برآورده کنند. حسن انجام این کار آن است که اولاً یک فرایند بلندمدت است و کشورها کاملاً آمادگی پیدا می کنند که اقتصاد خودشان را با الزامات WTO و اقتصاد جهانی انطباق دهند. ثانیاً طولانی تر کردن مذاکرات هم به دست خود کشورهاست. به عبارتی هیچ ضرب الاجلی وجود ندارد که ما به سرعت این مذاکرات را تمام کنیم.

اینکه ما در جامعه خودمان این تلقی را دامن یزنیم که شوکی ایجاد می شود، من به شما اطمینان می دهم که به هیچ عنوان در کوتاه مدت، چنین تاثیری را نخواهد داشت. مذاکرات ما در بهترین و خوش بینانه ترین حالت، در اواخر سال ۲۰۰۶ آغاز خواهد شد و این مساله هم به آمادگی کشور برای پذیرش تعهدات و کاهش تعرفه ها بازمی گردد.

چیزی که در حال حاضر پیش روی ماست، بحث مذاکرات تعرفه ای یا مذاکرات بازار گشایی نیست، بحث رژیم تجاری ماست. رژیم تجاری تدوین و آماده شده است و این اولین اقدامی است که ایران یا هر کشور دیگر باید انجام بدهد. این را بزودی ما به سازمان جهانی تجارت ارائه خواهیم کرد و این مبنای مذاکرات ما با آن سازمان خواهد بود.

به هر حال فرایندی است که حداقل ۲ یا ۳ سال طول می کشد. سوالات بسیار زیادی را در مورد رژیم تجاری از ما خواهند پرسید، رقمی حدود ۲ هزار سوال و ما باید به صورت کتبی به این سوالها پاسخ دهیم. تا آنها شناخت کامل از اقتصاد ما پیدا نکنند وارد مذاکرات بعدی نخواهند شد. لذا از ما می خواهند حوزه هایی را که دچار مغایرت است تدریجاً اصلاح کنیم و انطباق دهیم. بعد از این مذاکرات، مذاکرات دوجانبه خواهد بود که با تک تک اعضای WTO خواهیم داشت تا مشاهده کنیم که



### مهندس اشرف سمنانی:

امروز اگرچه نگاه صنایع به یکدیگر خیلی افزایش پیدا کرده است، ولی هنوز جای خالی زیادی وجود دارد که یکی از آنها پیوستگی با نرم افزارهاست.

فناوری، امروز سهم بسیار بالایی در صنایع دارد و ما نسبت به آن فاصله زیادی داریم.

یافته های ما نشان می دهد که ما باید تعالی سازمانی را به شدت افزایش دهیم.

تحقیق و توسعه در صنایع واسطه، مزیت نسبی در کشور ما محسوب می شود.

همیشه هر صنعت چرخه ای دارد و حتی بهبودها در آن صنعت، تأثیرگذار نخواهد بود.

ما قادریم با بهره گیری از بعضی فناوری های خیلی پیشرفته، رتبه و جایگاه خود را در صنعت تغییر دهیم.

توصیه ما استفاده از فناوری پیشرفته در صنایع موجود است.

اجرای چهار هزار پروژه پژوهشی با بهره گیری از بیش از ده هزار نیرو با تحصیلات کارشناسی به بالا، نشانگر آنست که کارگیری علم در بخش صنعت است.

باید شرایطی ایجاد شود که نیروی خلاق و فکور در کشور باقی بمانند.

پیشنهاد ما این است که واحدهای صنعتی برای اینکه بتوانند از فناوری بهره بگیرند، به جای پرداخت مالیات، کارهای آموزشی و پژوهشی انجام دهند.

قبل از اینکه ————— این دو پروژه را به مناقصه بین المللی بگذاریم، ما توانمندیهای داخل کشور را در رابطه با طراحی، ساخت تجهیزات و اجرای پالایشگاهها برآورد کردیم و نقاط قوت و ضعف ما روشن شد. راههای به دست آوردن تکنولوژی را در جاهایی که ضعف داشتیم بررسی کردیم و این دو پالایشگاه را با این هدف به مناقصه گذاشتیم که بعد از اجرای این ۲ پالایشگاه در آینده در کشور بتوانیم خودمان پالایشگاه بسازیم و نیاز به خارجی نداشته باشیم. پیمانکار خارجی را موظف کردیم که طراحی واحدهای پالایشگاهی را در داخل مهندسی مشاور ایرانی انجام دهد. این مناقصه دو برنده داشت. هر دو برنده، کامپیوترها و نرم افزارهای موردنیاز را برای طراحی واحدهای پالایشگاهی به ایران آوردند و در درون مهندسی مشاور ما، شرکتهای مختلف کار طراحی را انجام دادند.

### برنامه ریزی

خوشبختانه تکنولوژی و نرم افزارهای جدید ما را قادر می سازد که به سرعت شکاف موجود بین ما و کشورهای توسعه یافته را پرکند. قبلاً این امکانات نبود و شاید برای اینکه یک مهندس مشاور ما بتواند کار طراحی یک پالایشگاه را یاد بگیرد، سالها نیاز به کار و تجربه داشت. ولیکن الان آشنایی با یک نرم افزار که کار مهندسی یک واحد پالایشگاهی را انجام می دهد، بزودی و به سرعت می تواند مهندسی ما را به سطح مهندسان خارجی برساند.

همین طور برای ساخت تجهیزات، شرکتهای پیمانکاری با سازمان گسترش قرارداد بستند. این قرارداد انتقال دانش فنی و ساخت واحدهای پالایشگاهی را دربرمی گیرد.

پیمانکار خارجی را موظف کردیم که عملیات فونداسیون، خاکبرداری و راه اندازی واحدهای مختلف پالایشگاهی را به یک شرکت ایرانی بدهند. در سابق هم مثل پالایشگاه اصفهان، کار را به ایرانیها می دادند، ولیکن هیچوقت یک کار را از ابتدا تا

خواسته های آنها در مقابل بخشهای مختلف اقتصادی، اعم از کالا و خدمات چه خواهد بود.

در پایان عرایض خودم به این نکته تکیه می کنم که در وهله اول، صنعت خط مقدم این جبهه است و باید آمادگیهای بیشتری را داشته باشد. طبیعتاً اگر هریک از بنگاههای ما قدرت رقابتی بالایی داشته باشند، هیچ نگرانی و مشکلی نیست و شاخص آن هم به معنی حضور در بازارهای جهانی است. اگر بنگاههای ما این توانمندی را داشته باشند، WTO هیچ مشکلی را برای این بنگاهها نمی تواند ایجاد کند. آن چیزی که ایجاد مشکل می کند بحث انتظارات، امتیازات، رانت ها و یارانه هاست که تدریجاً کشورها این آمادگی و فرصت را پیدا کنند که رفتارهای اقتصادی خودشان را با رفتارهای اقتصاد بازار آزاد منطبق کنند.

نژاد حسینیان: استفاده از درآمد نفت و گاز و فعالیتهای جنبی آن در چند جا نمود پیدا می کند. یکی در اکتشاف و اجرایی پروژه های نفت و گاز است که ما بایستی به خودکفایی برسیم. منظور از خودکفایی این نیست که همه کار را خودمان انجام دهیم، بلکه باید شرکتهایی به نام پیمانکاری های عمومی داشته باشیم که توان مدیریت این پروژه را داشته باشند، مثل یک معمار برای ساختمان. معمار خودش همه کارها را بلد نیست، اما بلد است که یک ساختمان را چگونه بسازد و از چه نیروهایی استفاده کند. ما تا وقتی که در پروژه های نفتی به این توانمندی برسیم، همیشه وابسته ایم. اگر به این توانمندی برسیم و حتی ۶۰ تا ۷۰ درصد بودجه را هم صرف واردات برای آن پروژه کنیم، ولیکن خودکفا هستیم و به خارجی وابسته نیستیم. این کار شدنی است و فقط به برنامه ریزی نیاز دارد. کار انتقال دانش فنی کاری است که بایستی با برنامه ریزی از طرف خارجی بگیریم، نه اینکه طرف خارجی انتقال دانش فنی به ما بدهد. این تجربه را ما حدود ۱۸ تا ۱۹ سال پیش در پالایشگاههای بندرعباس و اراک داشتیم.



انتها به یک شرکت ایرانی نمی دادند که این دانش را به دست بیاورد که یک پروژه را کامل اجرا کند. به هر حال با برگزاری مناقصه و ساخت ۲ پالایشگاه در بندرعباس و اراک، این توانمندی در داخل کشور ایجاد شد که بتوانیم خودمان پالایشگاه بسازیم، طراحی کنیم و کار نصب و راه اندازی اش را انجام دهیم.

در نهایت اعتقاد من این است که در صنعت نفت برای انتقال دانش فنی و توانمندی سازی صنعتگران داخل کشور به راحتی این کار با برنامه ریزی قابل انجام است و کاری است که سالهای سال کشور ما به آن نیاز دارد و با گران شدن قیمت نفت در آینده اگر در این زمینه خودکفا نشویم، قطعاً بایستی هزینه های بسیار بیشتری را به خرج بدهیم. در حالی که اگر خودکفا شویم، به طور قطع صرفه جویی زیادی را در این زمینه می توانیم به دست آوریم.

**تائب:** روندی که اتفاق افتاده برای اولین بار فشار سیاست را از روی توسعه اقتصادی صنایع و قسمتهای بنگاهها کاهش داده است. به معنای دیگر جهانی شدن اقتصاد به کمک صنایع کشورها و یا بنگاهها در درون آن صنایع آمده است. البته نکته ای که در اینجا هست آن است که در تحول جهانی شدن، یک باز تعریف دیگر مرزی صورت می گیرد و شرکتهای بزرگ به هم متصل می شوند. در واقع صنایع در سطح جهان مسیر خودشان را از حکومتها جدا می کنند. به معنای دیگر صنایع محکوم و اسیر حکومتها نیستند. شرکتهای نفتی در سراسر جهان، مرزهای سیاسی را کم اهمیت کرده اند. برای مثال یک شرکت نفتی چینی در حال خریدن شرکت نفتی آمریکایی است. یعنی دو دیدگاه سیاسی و دو حکومت کاملاً متفاوت در این مسیر قرار گرفته اند. بنابراین صنایع و بنگاهها هم نباید خودشان را اسیر تصمیمات دولتمردان بشکنند و باید در این مسیر حرکت کنند. اتفاق جالبی در حال شکل گیری است و آن این است که اگر ما لایه های سیاستمداران را در بالا قرار دهیم و بنگاهها

را در رده پایین و زیرین، تصمیم گیری از پایین به بالا در حال شکل گیری است. حتی دولت آمریکا دیگر نمی تواند برای بنگاههای خودش تعیین تکلیف کند و بیشتر دولت در حال تاثیر پذیری از بنگاههاست. بنابراین اگر بنگاههای ما نیز به این روند توجه کنند می توانند به این نتیجه مهم برسند که با توجه به دارا بودن پتانسیل های بسیار زیاد، باید در این عصر از آنها استفاده شود.

### فرهنگ برد - برد

نکته مهم دیگر اینکه این بازیگران، یعنی بنگاهها چگونه بتوانند در این بازی پیچیده، جایگاه خود را ارتقا بدهند. در این قضیه، چند مساله مهم مطرح است. یکی اینکه فرهنگی بر این روند حاکم است و اصل اساسی این فرهنگ برد - برد بر اساس رقابت استوار است. دیگر کسی نمی تواند کسی را حذف کند، بلکه بازیگران خودشان خودشان را حذف می کنند، این مساله در روند جهانی شدن اقتصاد در حال وقوع است. به عبارت دیگر درسی است خصوصاً برای بنگاههای کشورهای جهان سوم که غالباً شکستهای خود را به عهده دیگران می گذارند. مدیران بنگاههای ما باید این درس را فرابگیرند که در روند جهانی شدن، شکست بنگاهها ناشی از ناکارآمدی است، زیرا سیستم جهانی بر مبنای اصل برد - برد در حال حرکت است.

### مزیت نسبی

بر این مبنای ما به نکته دیگری هم توجه کنیم. قانون دیگری که در حوزه سرمایه داری وجود دارد این است که سرمایه دار برنده کسی است که مرتب موفق به تداوم انباشت سرمایه می کند. منظور من از انباشت سرمایه هم سرمایه در حوزه های مالی، انسانی، تجهیزات و منابع است. برای رسیدن به این مساله، مدیر بنگاه باید به قانون دیگری توجه کند و آن این است که اگر چه سیستم جهانی بر مبنای «برد - برد» حرکت می کند، اما اصل «برد - برد» فقط از طریق تولید مزیت نسبی امکان پذیر است. برای اینکه

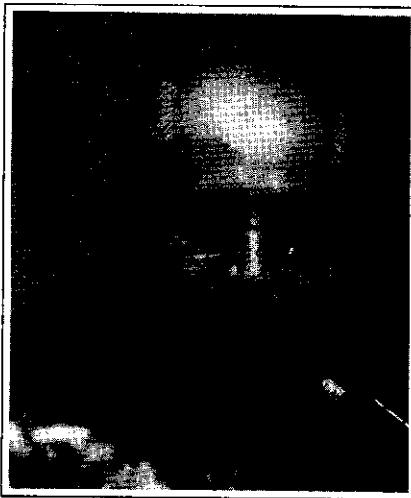
تولید مزیت نسبی انجام شود باید به این مسئله توجه کنیم که حوزه اقتصاد جهانی از مقطع سخت افزاری خارج شده و وارد مقطع نرم افزاری شده است.

امروز مسئله سخت افزاری مهم نیست. بنگاهها در جایی می توانند رقابت کنند که در بخش نرم افزاری، حرف برای گفتن داشته باشند. در بخش نرم افزاری هم باید به این عناصر، یعنی آموزش، تخصص و خلاقیت بیش از پیش توجه شود. در بحث خلاقیت یکی از عنصرهای اصلی، سرمایه گذاری رقابتی است. راز موفقیت آمریکا در حوزه اقتصاد این است که همیشه پیشقراول در خلاقیت اعم از خلاقیت در حوزه مدیریت، خلاقیت در حوزه تولید کالا و خلاقیت در قانونمند کردن رفتارهاست.

در حوزه خلاقیت یک مسئله اساسی وجود دارد که من فقط به آن اشاره می کنم. ما در ایران سندیکای مدیران صنایع نداریم. ولی سندیکای صاحبان صنایع داریم. یکی از مشکلات ما در حوزه اقتصاد جهانی این است که صاحبان صنایع ما مدیرند و صاحبان صنایع جایگاه مدیریت را باید ترک کنند، مدیریت کار تخصصی است. مدیر بساید پرورش بدهیم، ما فاقد بدنه قوی مدیریت صنایع هستیم. به همین خاطر در حوزه جهانی شدن اقتصاد، حتی تمام مشکلات سیاسی و مقرراتی را هم برطرف کنیم، بنگاههای ما مشکل خواهند داشت.

من از صاحبان صنایع می خواهم مدیران خود را سهامدار نکنند. با سهامدار کردن، خلاقیت را از آنها می گیرید. سود به آنها بدهید، ولی سهامدارشان نکنید. سهامداری مدیران در صنایع، یعنی حفظ وضعیت موجود و ساکت کردن افراد و در نهایت بستن راه تحول. مدیر باید آن قدر آزاد باشد که هر موقع اراده کرد بنگاه خودش را ترک کند و هر جایی که به او خلاقیت می دهند حرکت کند. صاحب بنگاه نیز آن قدر باید آزاد باشد که هر آن اراده کرد، مدیر خود را عوض کند و مدیر خلاق تری را به کار گیرد.

**فیلی:** در بعد داخلی ما با دو چالش مواجه



### دکتر فیلی:

اگر بخواهیم در آمد سرانه ما در طول بیست سال آینده به سه برابر رقم فعلی (در آمد سرانه امروز کره جنوبی) برسد، باید اقتصادمان به طور متوسط سالی ۸ درصد رشد کند.

متوسط نرخ تورم دنیا در حال حاضر حدود ۵/۳ درصد است و کاهش این نرخ در جهان به مفهوم ریشه کن شدن تورم است.

کشور ما امروز جزو چهار کشور دارای تورم بالای دنیاست و این برای ما حتی برای عضویت در سازمان جهانی تجارت، یک چالش بزرگ محسوب می شود.

روند جهانی شدن و حاکمیت رقابت پذیری، یک اصل بر تنظیم روابط بین المللی است و هیچ کشوری نمی تواند خودش را از آن دور کند.

متوسط رشد در آمد سرانه در دنیا در حال افزایش است، ولی در آمد سرانه فعلی کشورهای صادر کننده نفت حدود ۳۰ درصد کمتر از در آمد سرانه سال ۱۹۸۰ است.

وقتی که رانت جویی در آمدهای مناسب تری را نسبت به خلاقیت و نوآوری و تحقیق و توسعه ایجاد می کند، اغلب ترجیح می دهند در رانت جویی سرمایه گذاری کنند.

اقتصاد سیاسی کشورهای صادر کننده نفت، موانع قدرت گرفتن نهادهایی مثل تشکل هاست.

در یک اقتصاد رانتی، ارتباطات بر اساس تضاد منافع ایجاد می شود نه اشتراک منافع.

تکنوکراسی به عنوان یک سرمایه بزرگ در کشور ما از چالشهایی است که می تواند مورد آسیب قرار گیرد و جای خودش را به تصمیمات با اهداف کوتاه مدت سیاسی بدهد.



اینکه این گونه نیست که دانشگاه از صنعت سفارش بگیرد و حیات خودش را در گرو این ببیند که صنعت از او نیروی آموزش دیده بخواهد.

وقتی دانشگاه به طور مستقل تامین مالی می شود و صنعت خیلی هم احتیاج به نیروی متخصص ندارد، نتیجه آن می شود که این دو عنصر جدا از هم حرکت کنند و احساس نیاز به یکدیگر نداشته باشند. در طول چند سال گذشته جلسات زیادی در زمینه ارتباط بین دانشگاه و صنعت برگزار شده است، ولی ذات اینها نتوانسته است با هم مرتبط شود، زیرا نفت مشکل هر دو را جدا جدا حل کرده است.

یک نکته دیگر هم اقتصاد سیاسی کشورهای صادر کننده نفت است که مانع قدرت گرفتن نهادهایی مثل تشکل هاست. آنچه که باعث می شود تشکل ها و نهادهای مدنی در کشورهای دیگر شکل بگیرند، ضرورت اشتراک منافع آنهاست.

در یک اقتصاد رانتی، ارتباطات بر اساس تضاد منافع ایجاد می شود نه اشتراک منافع و این باعث می شود نهادهای مدنی از انگیزه های لازم برخوردار نباشند تا برای رشد در کنار هم قرار بگیرند. همچنین این مساله موجب می شود که تشکل ها نتوانند از یک حدی بالاتر قدرت پیدا کنند و دولتها هم خیلی تمایل ندارند که تشکل ها مستقیماً از قدرت برخوردار شوند مگر اینکه آنها را به خودشان وابسته کنند که این هم عملاً نفی منطق حاکم بر توسعه حاکم بر نهادهای مدنی است.

در هر صورت راه حل این است که جلو آن شوک نفتی همان طور که آقای نژادحسینیان اشاره کردند گرفته شود. حساب ذخیره ارزی که در برنامه سوم طراحی شد این هدف را دنبال می کرد، ولی در مقیاس خودش ممکن بود حداکثر ۱ میلیارد دلار در این حساب جمع شود. متأسفانه با وجود ایجاد شرایط جدید آن حساب مهندسی مجدد نشد، زیرا در آن قالب طراحی اولیه جواب نمی داد. بنابراین باعث شده است که این منابع ارزی کاملاً با اهداف

هستیم که اگر به آنها توجه نکنیم در کنار آن دو چالش بین المللی که قبلاً عرض شد می تواند تحقق آن تصویری را که در ابتدا عرض کردم به طور جدی با مشکل مواجه کند. یکی از این چالشها رونق بازار نفت در دنیاست. افزایش قیمتها هر چند که منابع خوبی را برای کشور ما فراهم می کند، اما یک پدیده شناخته شده در صنعت زدایی است. یک سوال همیشه در ذهن ما مطرح است که چرا کشورهای صادر کننده نفت صنعتی نمی شوند. این مساله فقط مختص ما نیست، شما به عربستان، کویت، الجزایر و کشورهای دیگر نفتی نگاه کنید، کم و بیش این مساله را ملاحظه خواهید کرد. البته به جز کشورهای خاص مانند نروژ که اول صنعتی شده و بعد نفت در آن کشور کشف شده است.

این یک سوال خیلی مهم است که چرا متوسط رشد در آمد سرانه در دنیا در حال افزایش است. ولی در آمد سرانه فعلی کشورهای صادر کننده نفت حدود ۳۰ درصد کمتر از در آمد سرانه سال ۱۹۸۰ است. این فقط ما نیستیم که در آمد سرانه مان حدود ۸۰ درصد در آمد سرانه سال ۵۶ است. کشورهای دیگر نفتی هم همین حالت را دارند.

### آثار اقتصاد نفتی

این مساله به این نکته بازمی گردد که وقتی یک اقتصاد با رونق در بازار نفت مواجه می شود، چند اتفاق مهم در آن صورت می گیرد. یکی اینکه نرخ ارز آن پایین نگهداشته می شود و این باعث می شود رقابت پذیری محصولات صنعتی آن کاهش یابد.

یکی دیگر این است که این نوع اقتصادها، اقتصادهای رانتی هستند. وقتی که رانت جویی در آمدهای مناسب تری را نسبت به خلاقیت و نوآوری و تحقیق و توسعه ایجاد می کند، اکثر ترجیح می دهند در رانت جویی سرمایه گذاری کنند.

یکی دیگر عدم ارتباط بین دانشگاه و صنعت است. این مساله خاص کشور ما نیست. در کشورهای صادر کننده نفت آموزش، کالای لوکس تلقی می شود. یعنی

سیاسی و اجتماعی به کارگرفته شود و در جهت تامین مطامع مختلف از آن استفاده شود. متضرر شونده اصلی در اینجا صنعت است که آسیب می بیند.

### آسیب پذیری تکنوکراسی

آخرین مطلب خطر آسیب پذیری تکنوکراسی است که در کشور ما شکل گرفته است. تکنوکراسی سرمایه خیلی بزرگی در کشور ماست. تکنوکرات ها همان کسانی هستند که باعث شدند ما الان مدرسه، بیمارستان و راه و جاده داشته باشیم. اینها کسانی هستند که تصمیمات غیرعقلانی مدیران سیاسی را به حداقل می رسانند و از راه حل های کارشناسی دفاع می کنند. این یک لایه ای است که یک بار در کشور ما ضربه دیده و مجدداً خودش را در طول این چند سال اخیر بازسازی کرده است. این همان چیزی است که کشور را مدرن کرده و صنعت، سبیل مدرن شدن یک کشور است. مدرن شدن کشور می تواند عرصه های تصمیم گیری را جلو ببرد. یکی از چالشهایی که می تواند مورد آسیب قرار گیرد ظرفیت تکنوکراسی است که به صورت قابلیت های دانش و مهارت تصمیم سازی در کشور ما ایجاد شده و ممکن است مجدداً مورد بی مهربی قرار گیرد. حتی ممکن است مورد تردید واقع شود و تضعیف شود و جای خودش را به تصمیمات با اهداف کوتاه مدت سیاسی بدهد. همین مساله باعث می شود که صنعت ما که لایه خط مقدم مدرن شدن کشور است، بیشترین آسیب را از این جهت بیند.

**تدبیر:** نظرات و دیدگاه های آقای دکتر مشایخی برای علاقه مندان بویژه مدیران صنعتی و اقتصادی کشور روشن و شناخته شده است. از ایشان درخواست می شود باتوجه به محدودیت وقت، نظرات خود را به طور مختصر درباره اثرات یادگیری بویژه جامعه و سازمان یادگیرنده در تحولات

کشور بیان فرمایند.

**مشایخی:** من لازم می دانم چند نکته را به صورت مختصر بیان کنم. نخست اینکه ما نیاز داریم که به یک جامعه یادگیرنده تبدیل شویم، زیرا جامعه ما تجربه هایش را خیلی تکرار کرده، بدون اینکه یاد بگیرد. یکی از این تجربه ها تضعیف بدنه تکنوکراسی کشور است که تجربه پرهزینه ای بود. ما باید یک جمع یادگیرنده باشیم. منظور از ما، افرادی است که داخل تشکلهای، داخل دولت و بین دولت و تشکلهای در حال تعامل هستند.

### یادگیری جمعی

امروز یادگیری جمعی، یکی از مهم ترین قابلیت های رقابتی تشخیص داده شده است. اگر سازمان و یا جمع ها توانایی جمعی شان بالا باشد، مهم ترین شایستگی آنها این است که می توانند شایستگان دیگر را براساس این عامل جذب کنند. در این زمینه هم جامعه و هم سازمانهای ما ضعیف هستند و باید آنها را تقویت کرد. برای تقویت این مجموعه باید پایه های آن، افرادی باشند که هدفمند باشند و ضمن داشتن هدف، واقعیات موجود را هم ببینند و این فاصله آرمانی و واقعیت موجود به آنها انرژی حرکت بدهد. به عبارت دیگر اگر ما افرادی نداشته باشیم که این ویژگی را داشته باشند جمع های یادگیرنده نمی توانیم به وجود آوریم. بنابراین مهارت برای ایجاد جنبش داخلی در افراد که آرمانهای مطلوبشان را درست تصویر کنند و به آن متعهد باشند و به طرفش حرکت کنند، مورد نیاز جامعه و کشور ماست.

من قصد ندارم الان درباره تمام مهارتهایی که یادگیری جمعی احتیاج دارد بحث کنم، ولی چند نکته دیگر را هم می خواهم بگویم. یکی از آن نکات، بحث ذهنیت هاست. ذهنیت ها اعم از فردی و جمعی خیلی وقتها دام هایی را پهن می کند که نه تنها مانع فهم درست، بلکه مانع

تصمیمات و خط مشی گذاری های صحیح می شود و این ذهنیت، آفت خیلی بزرگی است. ذهنیت چرا دام است؟ بعضی وقتها یک سری بساورهایی در ذهنیت ما شکل می گیرد که از محیط چه اطلاعاتی را انتخاب کنیم، یعنی محیط را آن طور که هست نمی بیند، آن طور که می خواهد می بیند. کشف این ذهنیت و اصلاح آن و تعامل با یکدیگر برای ایجاد یک ذهنیت بالغ و رشید، یکی از مسائلی است که ما باید روی آن تمرین کنیم. یکی از استادان هاروارد می گوید آدمها یک سری روتین های دفاعی در درونشان قرار دارد که می ترسند ذهنشان را به آزمون بگذارند، چون اگر پایه های ذهن لق شود، مثل این است که خود فرد لق شده است. در نتیجه فرد دوست دارد که آن را همیشه حفظ کند. ما باید بگذاریم ذهنمان آزاد شود و اجازه دهیم که ذهن ما و فرضیات ما مورد سوال قرار گیرد. من فکر می کنم اگر تشکلهای بخوانند یک پله فعالیت خود را بالا ببرند، باید تمرین گفتگو کنند.

به طور خلاصه ما به افراد آرمان خواه، پرانرژی و با پشتکار نیاز داریم که نلرزند و بتوانند هدفمند باهمدیگر ذهنهایشان را کامل کنند و با هم پیش بروند و ذهنیت های مناسب تری را برای انتخاب راههای مناسب به وجود بیاورند. در این صورت است که ما از تجربیات و دستاوردهای گذشته استفاده می کنیم و سپس آنها را به نسل جدید انتقال می دهیم.

**تدبیر:** ضمن سپاس مجدد از صاحب نظران و مدیران شرکت کننده در میزگرد، امیدواریم مباحث و تحلیل های کارشناسی که طی دو شماره در حوزه مسایل صنعتی، تجاری و اقتصادی کشور تقدیم علاقه مندان شد، زمینه های آشنایی بیشتر ما را نسبت به شناخت چالشهای اساسی و چگونگی بیرون رفت از آنها در جهت همگام شدن با شرایط اقتصاد جهانی فراهم ساخته باشد. □

November 19-20 Tehran - Iran

چهارمین کنفرانس بین المللی

2005

مهندسی صنایع

۲۸ و ۲۹ آبان ماه ۱۳۸۴ تهران

4th International Industrial Engineering Conference

نقش مهندسان صنایع در معماری سیستم‌های اطلاعاتی و عملیاتی سازمانها



دبیر کنفرانس: دکتر امیر البدوی  
دبیر علمی کنفرانس: دکتر محمد اقدسی

محورهای تخصصی

- سیستم‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعات
- سیستم‌های تولیدی و فناوری پیشرفته
- هوش مصنوعی و سیستم‌های خبره
- مدیریت کیفیت فراگیر و فناوری کیفیت
- تحقیق در عملیات و بهینه‌سازی
- روش‌های ابتکاری در حل مسایل
- مدیریت تولید/ عملیات/ فناوری
- سیستم‌های فازی
- مهندسی معکوس و مهندسی مجدد
- نگهداری و تعمیرات
- تئوری احتمالات و آمار
- تئوری تصمیم‌گیری
- مدیریت پروژه
- مدیریت منابع انسانی
- مهندسی ارزش
- تحلیل و مدیریت ریسک
- بهره‌وری و راهبردهای کسب و کار
- مهندسی فاکتورهای انسانی، ارگونومی و ایمنی صنعتی
- مدیریت استراتژیک
- تحلیل سیستم‌ها
- دیگر مباحث مرتبط با مهندسی صنایع ...



مقدار	۸۴/۷۱۵	۸۲/۶۱۱	هزینه ثبت نام (ریال)
عادی	۱۲۵۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	
اعضای هیات علمی	۱۲۵۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰	
دانشجویان	۱۲۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	

■ مبالغ هزینه ثبت‌نام دانشجویی و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها فقط برای ثبت‌نام اشخاص حقیقی لحاظ شده است و برای اشخاص حقوقی صرفاً ثبت‌نام عادی امکان‌پذیر می‌باشد.

■ شرکت‌کنندگان در صورت تمایل به انصراف از حضور در کنفرانس باید حداقل ۲۰ روز قبل از برگزاری مراتب را بصورت کتبی به دبیرخانه کنفرانس اعلام نمایند. دبیرخانه تنها در صورت دریافت نامه انصراف در موعد مقرر قادر به عودت ۸۰٪ پرداختی خواهد بود.

شرکت‌کنندگان گرامی باید وجوه ثبت‌نام خود را به شماره ۵۱۳۲۲۳ به نام کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع نزد بانک ملت شعبه سازمان خدمات درمانی کد ۶۲۵۳۴۵ واریز کرده و اصل فیش واریزی و فرم ثبت‌نام خود را به دبیرخانه کنفرانس ارسال نمایند.



مجموعه پژوهش‌های صنعتی ایران

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان دکتر شریعتی، پادین‌نور از خیابان بهار شیراز، شماره ۳۵۳، طبقه چهارم. تلفن: ۷۷۵۰۲۵۲۰. نمابر: ۷۷۵۲۲۳۲۰

www.IIEC2005.com info@IIEC2005.com